

بازخوانی نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل با توجه به جنایات رژیم صهیونیستی پس از اکتبر سال ۲۰۲۳ در غزه

الهام امین‌زاده*

محبوبه پاکدل**

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

چکیده

در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ دیوان بین‌المللی دادگستری، مبادرت به نظر مشورتی در خصوص ساخت دیوار حائل در اراضی اشغالی فلسطین کرد. دیوان، با استناد به کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه و حقوق بشری، ساخت دیوار حائل را غیرمشروع اعلام کرد. به‌رغم آنکه نظریه مشورتی دیوان ناظر بر غیرمشروع بودن ساخت دیوار حائل بود، اما رژیم اشغالگر از آن سال تاکنون، اقدام به ساخت چند دیوار دیگر از جمله ساخت دیوار حائل در غزه کرده است. با توجه به نقض قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر در سطحی بسیار گسترده توسط رژیم اسرائیل در مخاصمه غزه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، بازخوانی مجدد رأی دیوان مهم است. هدف این نوشتار، بررسی ابعاد حقوق بشردوستانه و حقوق بشری نظریه مشورتی دیوان است. براین اساس، با تأکید بر وضعیت نوار غزه به‌مثابه سرزمینی اشغالی و نقض قواعد حقوق اشغال به‌واسطه ارتکاب جنایات گسترده توسط رژیم اشغالگر اسرائیل در مخاصمه ۲۰۲۳-۲۰۲۴ در غزه، توجه به تبعات منفی روانی و انسانی ساخت دیوار حائل در غزه که به دلیل نقض حقوق بشر روی داده و در حمله حماس به مواضع اسرائیل مؤثر بوده، دارای اهمیت است.

واژگان کلیدی

دیوان بین‌المللی دادگستری، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بشر، رژیم اشغالگر اسرائیل، نوار غزه.

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. eaminzadeh@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل و دانشجوی دکتری فلسفه دین، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
mah.pakdel@ut.ac.ir

Rereading the advisory opinion of the ICJ in the construction of a wall, considering the Zionist regime crimes after October 2023 in Gaza

Elham Aminzadeh*
Mahbubeh Pakdel**

Abstract

On July 9, 2004, the International Court of Justice issued an advisory opinion concerning the construction of a wall in the occupied Palestinian territories. The court by determining the rules and principles of International law rendered its advisory opinion the construction of the wall is illegal. Although, Israel was under an obligation to terminate its breaches of international law, the Israeli occupation regime started to construct several more walls, including the construction of the wall in Gaza. Therefore, Considering the violation of the fundamental rules of international humanitarian law and human rights on a very wide level by the Israeli regime in the Gaza conflict after October 7, 2023, it is important to reread the advisory opinion of the court. The purpose of this article is to examine the dimensions of humanitarian rights and human rights in the advisory opinion of ICJ. Hence, by emphasizing the status of the Gaza Strip as an occupied territory and the violation of the rules of occupation due to the large-scale crimes committed by the occupying regime of Israel in the 2023-2024 conflict in Gaza, it is of paramount importance to regard the negative psychological and human consequences of the construction of the wall in Gaza caused by the violation of human rights in this region. For this issue has been effective in the attack of Hamas on Israeli positions.

Keywords

International Court of Justice, International humanitarian law, human rights, Israeli occupation regime, Gaza Strip.

* Professor of Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
eaminzadeh@ut.ac.ir

** MSc. in International Law, Tehran University & PhD Candidate in Philosophy of Religion,
Tehran University, Tehran, Iran.
mah.pakdel@ut.ac.ir

مقدمه

در اکتبر ۲۰۲۳، درگیری نظامی غزه میان نیروهای مسلح رژیم اسرائیل و شاخه نظامی حماس آغاز شد. با وجود عضویت رژیم اسرائیل در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و با توجه به عرفی بودن قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، رژیم اسرائیل نمی‌تواند از مسئولیت‌های بین‌المللی خود به‌عنوان قدرت اشغالگر امتناع کند. رژیم اسرائیل در جنگ غزه، کنترل مؤثر خود را در نوار غزه اعمال کرده و ادامه این کنترل باعث شده است که نوار غزه تحت اشغال اسرائیل باشد. همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل اعلام کرده است، اشغالگر در حفظ حقوق بشری افراد تحت صلاحیت خود مسئول است (توحیدی، ۱۴۰۲).

رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر غزه تاکنون، قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی را در سطحی بسیار گسترده و به اشکال گوناگون نقض کرده است و نیروهای مسلح اسرائیل مرتکب اقداماتی شامل نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت شده‌اند. اعمال نیروهای مسلح اسرائیل مبتنی بر نقض فاحش کنوانسیون چهارم ژنو در رابطه با قتل‌های خودسرانه و... موجب رنج شدید افراد مورد حمایت و همچنین، ایجاد مسئولیت کیفری فردی شده است. نیروهای مسلح اسرائیل بارها از سلاح‌های ممنوعه از جمله بمب‌های حاوی فسفر سفید، بمب‌های خوشه‌ای و سلاح‌های انفجاری حاوی ذرات فلزی متراکم علیه مردم غزه و بیمارستان کودکان استفاده کرده‌اند که از مصادیق بارز جنایات جنگی است. در نتیجه این جنایات تاکنون حدود ۳۰۰۰۰ نفر از فلسطینیان شهید و مفقودالاثر شده‌اند. شهادت بیش از ۱۰۰۰۰ کودک، بیش از ۷۰۰۰ زن، ۳۳۲ نفر از کادر پزشکی و ۱۱۷ خبرنگار، ویرانی ۳۸۴ مدرسه و مرکز آموزشی و تخریب ۳۰ بیمارستان از دستاوردهای جنایات رژیم صهیونیستی هستند.^۱ بررسی واقعیات و جنایات ارتكابی از سوی متجاوزان در جنگ غزه و تطبیق آن با قواعد و اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه نشان می‌دهد که مهم‌ترین و اساسی‌ترین جرائم تعریف‌شده در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ از جمله جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی در موارد متعددی نقض شده است.

با توجه به اینکه مواد متعددی از منشور ملل متحد نشان‌دهنده و مثبت حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود هستند، با این حال، بیش از ۷۵ سال است که حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و مجامع بین‌المللی نادیده گرفته شده است. رژیم صهیونیستی با اقدام به ساخت دیوار حائل در اراضی اشغالی فلسطین، حق ساکنان سرزمین‌های اشغالی، به‌ویژه نوار غزه را در تعیین سرنوشت و تشکیل کشور مستقل، به‌وضوح و آشکار نقض کرده است. توجه

1- <https://amarfact.com/analysis/statistics-palestine-israel/#:~:text=>

به آثار منفی روانی ساخت دیوار حائل بر ساکنان نوار غزه و تشدید تبعات منفی انسانی و اجتماعی این اقدام غیرمشروع بین‌المللی، حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به مواضع رژیم صهیونیستی را می‌توان خشم انباشته‌شده‌ای دانست که متأثر از تبعات منفی ساخت دیوار حائل توسط دولت اشغالگر بوده است.

از همین رو، بازخوانی نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ که با استناد به منشور ملل متحد، قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، کنوانسیون‌های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه، ساخت دیوار حائل را در سرزمین‌های اشغالی غیرمشروع اعلام کرد، مهم است.

به‌رغم آنکه نظریه مشورتی دیوان ناظر بر غیرمشروع بودن ساخت دیوار حائل بود، اما رژیم اشغالگر از آن سال تاکنون به ساخت چند دیوار دیگر که از آن جمله ساخت دیوار حائل در غزه بود، اقدام کرده است.

شناسایی رژیم اسرائیل به‌عنوان دولت اشغالگر یکی از دستاوردهای مهم نظریه مشورتی دیوان برای مردم اراضی اشغالی بود. براین اساس، قابلیت اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر در غزه به‌عنوان سرزمینی اشغالی و نقض این حقوق به دلیل ساخت دیوار حائل در آنجا، باید مورد توجه قرار گیرد؛ به‌ویژه آنکه تأثیرات نقض این حقوق و پیامدهای منفی ساخت دیوار حائل توسط رژیم اشغالگر بر ساکنان غزه را می‌توان در حمله نیروی مقاومت فلسطینی حماس در اکتبر ۲۰۲۳ به رژیم اشغالگر اسرائیل دنبال کرد.

در این پژوهش، با تأکید بر وضعیت اشغالی نوار غزه، مروری بر نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در ساخت دیوار حائل از دیدگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر خواهیم داشت.

۱- تاریخچه ساخت دیوار حائل

رژیم صهیونیستی تاکنون مراحل مختلفی را برای ساخت دیوار حائل طی کرده است. پیشنهاد ساخت دیوار حائل^۱، پس از آنکه رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ میلادی کرانه باختری را اشغال کرد، مطرح شد. آریل شارون نیز از سال ۱۹۷۳ در اندیشه جداسازی از مناطق خودگردان و ساخت دیوار در این مناطق بود (Ahronoth & Rapport, 2023). در ۲۳ ژوئن ۲۰۰۲، کابینه رژیم اسرائیل طی شماره ۲۰۷۷ خود مجوز ساخت نخستین مرحله از

۱- واژگان مستعمل بر این دیوار متفاوت بوده است؛ درحالی‌که فلسطینیان دیوار را «دیوار جداسازی» و «دیوار تبعیض نژادی» می‌نامند، اسرائیلی‌ها از آن به‌عنوان «نوار امنیتی» یاد می‌کنند.

این موانع را در بخش‌هایی از کرانه باختری و بیت‌المقدس صادر کرد. به موجب این تصمیم هدف از ایجاد این موانع صرفاً اقدامات امنیتی بیان و در آن به طور صریح به این نکته اشاره شد که این موانع نشان‌دهنده «مرز سیاسی» یا هرگونه «مرز» دیگر نیست. در ۱۴ اوت ۲۰۰۲ کابینه رژیم اسرائیل مسیر نهایی فاز نخست ساخت این موانع را به تصویب رساند که در مجموع، شامل ۱۲۳ کیلومتر در شمال کرانه باختری و ۵/۱۹ کیلومتر در اطراف بیت‌المقدس می‌شد که تقریباً تمام آن‌ها در سرزمین‌های مورد اشغال از سوی رژیم اسرائیل پس از سال ۱۹۶۷ واقع شده‌اند. در اکتبر سال ۲۰۰۳ و تقریباً یک سال پس از ساخت بسیاری از بخش‌ها، کابینه رژیم اسرائیل مسیر نهایی موانع را در تصمیم ۸۸۳ خود مورد تصویب قرار داد. اسناد وزارت دفاع رژیم اسرائیل حاکی است که مسیر طراحی شده شامل خطی است که ۷۲۰ کیلومتر در سرتاسر کرانه باختری ادامه خواهد داشت. قسمت اعظم موانع تکمیل شده مانع ارتباط شرق بیت‌المقدس با خط سبز (مرز آتش‌بس ۱۹۴۹ که محدود کرانه باختری را مشخص می‌کند)، می‌شود. این دسته از موانع در برخی نقاط حدود ۵/۷ کیلومتر از خط سبز و مناطق محل سکونت یهودیان فاصله دارند و مناطق فلسطینی‌نشین را به محاصره درمی‌آورند. بخشی از این موانع که دقیقاً خط سبز را قطع می‌کند، در شمالی‌ترین بخش کرانه باختری قرار دارد. یک تا دو کیلومتر از این موانع که در غرب طولکرم ادامه دارد، کمی در داخل بخش رژیم اسرائیل (خط سبز) واقع شده است. مسیر طراحی شده در صورت تکمیل، در برخی از موارد فاصله خواهد گرفت. ایجاد دیوار حائل در صورت تکمیل موجب ایجاد سیستم بسته‌ای خواهد شد که در آن رفت‌وآمد فلسطینیان و کالاهای آنان محدود می‌شود و براین اساس زیان‌های اجتماعی و اقتصادی فراوانی به آن‌ها وارد می‌شود. گزارش‌های اخیر بانک جهانی و ملل متحد حاکی است که دیوار حائل به صورت وحشتناکی زبان‌هایی را بر جوامع فلسطینی در مسیر طرح وارد ساخته است (ES- 10/3, 24 Nov, 2003).

رژیم صهیونیستی، تصمیم خود را از احداث این دیوار، اقدامی امنیتی توجیه می‌کرد، اما عملکرد رژیم در استمرار عمل غیرقانونی خویش، بدین معناست که هدف اصلی این رژیم از ساخت دیوارهای چندگانه، به‌ویژه دیوار حائل در نوار غزه، ضمیمه کردن زمین‌های اراضی اشغالی به بخش صهیونیست‌نشین بوده است تا امکان برپایی کشور و دولت مستقل فلسطینی منتفی شود.

یادآوری می‌شود، شهرک‌سازی مستمر و بدون وقفه رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۶۷ تاکنون اقدامی در تأیید نقض حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین است (امیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۰). با توجه به پیامدهای انسانی، اجتماعی و اقتصادی مخرب ساخت این دیوار بر مردم فلسطین، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دهمین اجلاس ویژه اضطراری خود در ۸ دسامبر ۲۰۰۳ در

قطعهنامه ES-10/14 از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کرد تا درباره آثار ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی به صدور نظریه مشورتی مبادرت کند.

۲- نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری

دبیر کل سازمان ملل در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ تصمیم مجمع عمومی مبنی بر تقاضای صدور فوری رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری را به موجب ماده ۶۵ اساسنامه دیوان که در دهمین نشست فوق‌العاده مجمع اتخاذ شده بود (10/14-A/RES/ES, 2003)، به دیوان اعلام کرد. سؤالی که از دیوان شد به قرار زیر بود:

بر اساس آنچه در گزارش دبیر کل بیان شده است و با توجه به قواعد و اصول حقوق بین‌الملل، به‌ویژه کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و قطعهنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی در این زمینه، آثار و پیامدهای حقوقی ساخت دیواری که رژیم اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله در داخل و پیرامون بیت‌المقدس شرقی در حال احداث آن است، چیست؟

دیوان ابتدا به ایرادات صلاحیتی که رژیم اسرائیل مطرح کرده بود، پاسخ داد و به‌اتفاق آرای قضات، صلاحیت خود را برای پاسخ به تقاضای صدور رأی مشورتی احراز و رأی مشورتی خود را در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ صادر کرد. مجمع عمومی سازمان ملل نیز در ژوئیه ۲۰۰۴ رأی مشورتی دیوان را تصویب کرد (A/RES/ES-10/15). متن رأی مشورتی دیوان غیر از مواردی که مربوط به صلاحیت آن و پذیرفتنی بودن تقاضاست، به قرار زیر است.

«الف- ساخت دیواری که رژیم اسرائیل اشغالگر، در حال احداث آن در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله در داخل و اطراف بیت‌المقدس شرقی است و ترتیبات حقوقی و اداری مربوط به آن برخلاف حقوق بین‌الملل است.

ب- رژیم اسرائیل موظف است به موارد نقض حقوق بین‌الملل خاتمه دهد؛ بی‌درنگ عملیات احداث دیواری را که در حال ساخت آن در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله در داخل و اطراف بیت‌المقدس شرقی است، متوقف کند؛ بی‌درنگ سازه‌های مربوط را در این سرزمین تخریب کند و بلافاصله تمام قوانین و مقررات مربوط به آن را لغو کند یا به حالت تعلیق درآورد.

پ- رژیم اسرائیل موظف است تمام خسارات وارد شده ناشی از ساخت دیوار را در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله در داخل و اطراف بیت‌المقدس شرقی جبران کند.

ت- تمام کشورها موظف‌اند وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار را به رسمیت نشناسند و برای حفظ وضعیت ایجادشده در اثر ساخت دیوار کمک و مساعدتی نکنند. همچنین تمام کشورهای عضو کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ اوت

۱۹۴۹ متعهدند ضمن احترام به منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل، رژیم اسرائیل را به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه مندرج در این کنوانسیون وادار کنند.

ث- سازمان ملل متحد و به‌ویژه مجمع عمومی و شورای امنیت باید با توجه به رأی مشورتی حاضر بررسی کنند که به‌منظور پایان دادن به وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار و ترتیبات حقوقی و اداری مربوط به آن چه اقداماتی باید اتخاذ شود.

دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید و تأیید بر حق تعیین سرنوشت مردم اراضی اشغالی فلسطین، افزون بر رویه قضایی خود (53-52, para. 53, ICJ. Rec. 1971)، به مذاکرات فی‌مابین رژیم اسرائیل و فلسطین استناد می‌کند. نظر دیوان بر آن است که ساخت دیوار موجب تغییر در ترکیب جمعیتی فلسطینیان و کوچ اجباری آنان می‌شود و این موضوع حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین را نقض می‌کند و برخلاف تعهدات بین‌المللی رژیم اسرائیل به‌عنوان یک دولت اشغالگر است (ICJ Reports, para. 122).

۳- بررسی ابعاد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر در نظریه مشورتی دیوان دادگستری در ساخت دیوار حائل

از دستاوردهای رأی دیوان، شناسایی رژیم اسرائیل به‌مثابه رژیم اشغالگر بود. براین‌اساس، دولت اشغالگر طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه و ازجمله کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، وظایفی را در خصوص تأمین امنیت و نیازهای مردم این سرزمین بر عهده دارد. با توجه به اینکه درخواست مجمع عمومی از دیوان، بررسی پیامدهای حقوقی ساخت دیوار حائل بود، دیوان در بررسی خود، با تعیین قواعد و اصول حقوق بین‌الملل و قابل اعمال دانستن قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در سرزمین اشغالی فلسطین به بررسی تعارض یا عدم تعارض ساخت دیوار با این قواعد پرداخت. در نتیجه، تنها با اشغالگر بودن رژیم اسرائیل، حقوق بین‌الملل بشردوستانه در اراضی اشغالی فلسطین قابلیت اعمال دارند. از همین رو، تعیین وضعیت نوار غزه از حیث اشغال، مهم است؛ زیرا با اشغالی بودن وضعیت غزه، می‌توان نظریه مشورتی دیوان را در خصوص نامشروع بودن ساخت دیوار به دلیل نقض تعهدات رژیم اشغالگر اسرائیل به نوار غزه نیز تعمیم داد.

۳-۱- حقوق بین‌الملل بشردوستانه و سرزمین‌های اشغالی فلسطین

۱-۳- شناسایی رژیم اسرائیل به‌مثابه دولت اشغالگر

یکی از وضعیت‌هایی که لازم است حقوق و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از طرف متخاصمان رعایت شود، اشغال اراضی است. این حقوق و قواعد در مقررات کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ تدوین یافته و کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ نیز به

آن افزوده شده است (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴).

ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در بند دوم چنین مقرر داشته است.

«همچنین کنوانسیون در تمام موارد اشغال کامل یا اشغال بخشی از سرزمین طرف‌های متعاقد، اعمال خواهد شد حتی اگر اشغال یادشده با هیچ مقاومت مسلحانه‌ای روبه‌رو نشود».

رژیم اسرائیل مدعی بود که هنگام اشغال سرزمین‌های فلسطینی، این اراضی در اختیار اردن و مصر قرار داشته‌اند و به‌عنوان یک دولت مورد شناسایی قرار نگرفته بودند. به عبارت دیگر، این اراضی به مفهوم سرزمین‌های دول معظم متعاقد مندرج در ماده ۲ کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو نبوده‌اند و از حقوق مندرج در این کنوانسیون برخوردار نیستند. یادآوری می‌شود این دیدگاه پیش از این نیز از سوی رژیم اسرائیل مطرح شده بود که مورد پذیرش مراجع بین‌المللی و دولت‌ها قرار نگرفت. برای مثال به دنبال اخراج ۴۰۰ فلسطینی در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ توسط رژیم اسرائیل از کرانه باختری و نوار غزه، جامعه بین‌المللی به‌طور مطلق این اقدام را غیرقانونی خواند. رژیم اسرائیل در پاسخ، استدلال کرد که کنوانسیون ژنو نسبت به سرزمین‌های اشغالی قابلیت اجرایی ندارد. دادگاه عالی رژیم اسرائیل نیز در حکمی بیان کرد، از آنجا که چنین تبعیدهایی صرفاً موقتی است، از نظر حقوقی مشروع هستند (بعیدی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۴۷).

در واکنش به این ادعا، شورای امنیت در قطعنامه‌ای دیدگاه رژیم اسرائیل را رد (S/Res/799, 1992) و به تخطی رژیم اسرائیل از تعهدات خود طبق کنوانسیون چهارم ژنو اشاره کرد. همچنین، با به کارگیری عبارت «رژیم اسرائیل به‌عنوان دولت اشغالگر» تأکید کرد که فلسطینیان «اشخاص تحت حمایت» و نوار غزه و کرانه باختری در زمره سرزمین‌های اشغالی مورد نظر کنوانسیون ژنو هستند. این قطعنامه در پایان از رژیم اسرائیل به‌عنوان دولت اشغال‌کننده می‌خواهد که سلامتی و بازگشت سریع تمام افراد اخراج‌شده به سرزمین‌های اشغالی را تضمین کند. همین دیدگاه در قطعنامه‌ها و اسناد بین‌المللی مختلف نیز وجود دارد.^۱

دیوان این نکته را یادآور شد که وفق بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون چهارم ژنو، این کنوانسیون در صورت وجود دو شرط قابل اجراست؛ وجود درگیری مسلحانه و درگیری میان دو طرف متعاقد. در صورت احراز این دو شرط کنوانسیون در هر سرزمینی، به‌ویژه اگر در دوران درگیری از سوی

۱- در این زمینه برای مثال به اسناد زیر می‌توان اشاره کرد.

- قطعنامه ۱۳۲۲ مورخ ۱۷ اکتبر ۲۰۰۰ شورای امنیت.

- قطعنامه ۳۰۵۳ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ مجمع عمومی.

- قطعنامه ۲۸۵۱ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ مجمع عمومی.

- قطعنامه مورخ ۲۲ مارس ۱۹۷۲ کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد.

یکی از طرفین متعاهد اشغال شده باشد، اجرا خواهد شد.

بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون چهارم ژنو نیز هیچ محدودیتی را در اجرای کنوانسیون به‌نحوی که در بند ۱ ماده ۲ آمده است ایجاد نکرده و هیچ سرزمینی را که تحت حاکمیت یکی از طرفین متعاهد نیست، از اجرای این کنوانسیون مستثنا نمی‌کند حتی اگر اشغال در طول درگیری، بدون مقاومت‌کنندگان مسلحانه صورت گیرد نیز کنوانسیون قابل اجراست. این تفسیر منعکس‌کننده قصد تدوین کنوانسیون چهارم نیز هست؛ زیرا هدف آن‌ها حمایت از غیرنظامیانی است که به هر دلیلی در کنترل نیروهای اشغالگر قرار دارند (International Review of the Red Cross, no. 847: 661-695).

در همین رابطه می‌توان به ماده ۳۵ دستور شماره ۳ صادرشده از سوی رژیم اسرائیل متعاقب اشغال کرانه باختری در سال ۱۹۶۷ اشاره کرد که در آن اعلام کرد:

«دادگاه‌های نظامی... باید در رسیدگی‌های خود مقررات کنوانسیون ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ را در حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ رعایت کنند و در صورت تعارض میان این دستور و آنچه کنوانسیون اعلام کرده است، کنوانسیون برتری دارد» (ICJ Reports, 2004: para.95).

دولت عضو کنوانسیون چهارم نیز چنین تفسیری را در کنفرانس خود در ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹ و ۵ دسامبر ۲۰۰۱ به تصویب رساندند. آن‌ها با صدور اعلامیه، قابلیت اعمال این کنوانسیون را در سرزمین اشغالی فلسطین و اطراف شرق بیت‌المقدس تأیید و تعهدات طرفین درگیری و دولت رژیم اسرائیل را به‌عنوان نیروی اشغالگر یادآوری کردند. صلیب سرخ^۱ نیز این تفسیر را مورد تأیید قرار داد (ICJ Reports, 2004: para. 97).

همچنین، دولت سوئیس با صدور اعلامیه ۵ دسامبر ۲۰۰۱ ضمن یادآوری ماده ۱۴۲ کنوانسیون چهارم، یادآور شد که صلیب سرخ در همه احوال قابلیت اجرای کنوانسیون چهارم را در مورد سرزمین‌های اشغالی فلسطین و اطراف شرق بیت‌المقدس که از سال ۱۹۶۷ از سوی رژیم اسرائیل مورد اشغال قرار گرفته است، دارد (<http://www.palestine-un.org/news/sgreport.html>).

در تحکیم این تفسیر همچنین می‌توان به موضع رسمی دولت اسرائیل که از سوی دیوان عالی کشور این رژیم در رأی مورخ ۳۰ مه ۲۰۰۴ اتخاذ شد و در آن عملیات نظامی نیروهای دفاعی رژیم اسرائیل را در رفح تا جایی که غیرنظامیان از آن متأثر شوند تحت الزامات ناشی از کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ دانست، اشاره کرد (Text supreme court judgment (Regarding the security Fence (10 f 3), 2004).

با استناد به این تفسیر، دیوان نتیجه گرفت از آنجا که رژیم اسرائیل و اردن در سال ۱۹۶۷، زمانی که درگیری مسلحانه‌ای میان آن‌ها به وقوع پیوست، عضو این کنوانسیون بوده‌اند، از این‌رو

کنوانسیون یادشده در خصوص سرزمین‌های فلسطینی که قبل از درگیری در قسمت شرقی خط سبز قرار داشته‌اند و توسط رژیم اسرائیل مورد اشغال قرار گرفته‌اند، قابل اجراست و بررسی دقیق وضعیت پیشین این سرزمین‌ها ضروری نیست (ICJ Reports, 2004, para. 101).

این یافته دیوان دستاورد بزرگی برای فلسطینیان که تاکنون از حمایت‌های رسمی این کنوانسیون محروم مانده بودند، به شمار می‌آید. همچنین، رژیم اسرائیل به‌عنوان دولت اشغالگر در اداره اراضی اشغالی فلسطین دارای تکالیفی است. یکی از قواعد اصلی در مورد اداره سرزمین‌های اشغالی در ماده ۴۳ مقررات لاهه مندرج است (Greenwood C. 1992: 241).

تأکید ماده ۴۳ بر ماهیت بالفعل اقتدار اشغالگر و لزوم رعایت قوانین از پیش لازم‌الاجرا در سرزمین اشغالی نشان‌دهنده این اصل است که اشغال نظامی سرزمینی در جنگ، حق حاکمیت بر سرزمین اشغالی را به اشغالگر اعطا نمی‌کند. اشغال وضعیتی موقت تلقی می‌شود و هر تغییری در وضعیت سرزمین باید به انعقاد پیمان صلح یا انقیاد کامل دولتی که پیش‌تر در آن سرزمین اعمال حاکمیت می‌کرده است، موکول شود.

یکی از آثار این اصل آن است که قدرت اشغالگر باید سرزمین را به جمعیتی بسپارد که در آنجا هستند و نمی‌تواند مردم خویش را به آنجا انتقال دهد. از این‌رو ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو تصریح می‌کند که قدرت اشغالگر نمی‌تواند بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمینی که اشغال کرده است، منتقل سازد.

از زمان اشغال اراضی فلسطین و سوریه در سال ۱۹۶۷، قدرت‌های رژیم اسرائیلی سعی کرده‌اند شهرک‌های یهودی‌نشین را در این اراضی افزون‌بر وجود نظامی (خویش) مشروع جلوه دهند. هدف تمام این قرارها و تصمیمات، وضع احکام و قوانین مستبدانه بر سرزمین اشغالی و ایجاد تغییرات اداری و قانونی در آن و آماده کردن زمینه تسلط و استیلا بر مساحت وسیعی از اراضی این منطقه و ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در آن بود (ICJ Reports, 2004, para. 120).

در همین ارتباط، شورای امنیت سازمان ملل متحد خط‌مشی و عملکرد رژیم اسرائیل را فاقد مشروعیت حقوقی دانسته و از آن به‌عنوان دولت اشغالگر خواسته است که مقررات کنوانسیون چهارم ژنو را رعایت کند و اقدامات قبلی را متوقف سازد (S/Res/446, March 1979).

افزون‌براین، شورای امنیت موضعی مشابه را در قطعنامه‌های ۴۵۲ (۱۹۷۹) و ۴۶۵ (۱۹۸۰) اتخاذ کرد و در قطعنامه اخیر خط‌مشی و عملکرد رژیم اسرائیل را در ساکن کردن بخشی از جمعیت خود و مهاجران جدید در سرزمین‌های اشغالی، نقض آشکار کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ توصیف کرد (S/Res/465. I March 1980).

اهداف ساخت دیوار یعنی اسکان تقریباً تمام یهودیان در کرانه باختری در بخش رژیم اسرائیلی

دیوار و عملاً انضمام بیشتر زمین‌های حاصلخیز به رژیم اسرائیل است. اسکان یهودیان فی‌نفسه نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی طبق بند ۵ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ است. همچنین مغایرت با قطعنامه‌های ۴۴۶ (۱۹۷۹) و ۴۵۲ (۱۹۷۹) و ۵۶۴ (۱۹۸۰) شورای امنیت است که به‌طور خاص از رژیم اشغالگر می‌خواهد جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمین‌های اشغال‌شده منتقل نکند. دیوان با توجه به موارد بیان‌شده نتیجه گرفت که:

«شهرک‌ها برخلاف حقوق بین‌الملل و مقررات کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ است و با نقض آن‌ها در سرزمین اشغالی فلسطین و اطراف بیت‌المقدس ایجاد شده است» (ICJ Reports, 2004, para. 120).

این مقررات نشان می‌دهد، حقوق بین‌الملل صلاحیت کلی قانون‌گذاری برای قدرت اشغالگر را به رسمیت نمی‌شناسد. تغییر در وضعیت حقوقی سرزمین اشغالی با حقوق بین‌الملل مغایر خواهد بود مگر آنکه لازمه ضرورت‌های نظامی باشد (Greenwood C. Op Cit).

برخورداری یک‌جانبه رژیم اسرائیل از اجرای کامل کنوانسیون چهارم ژنو در مورد سرزمین‌های اشغالی و نقض فراوان مقررات آن به‌وسیله این کشور، درعین‌حال، محدودیت‌های حقوق بین‌الملل را در حمایت عملی از حقوق بشر و افراد بی‌دفاع نشان داده است. سرانجام آنکه کنوانسیون چهارم ژنو و تا اندازه‌ای کمتر مقررات لاهه شماری از محدودیت‌های مشخص را برای قدرت اشغالگر تعیین می‌کنند که مقصود کلی آن تأمین حداقل میزان حمایت بشردوستانه برای جمعیت سرزمین اشغالی است.

۲-۱-۳- قابلیت اعمال حقوق اشغال در نوار غزه

دولت اشغالگر بر اساس کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ وظایف و مسئولیت‌هایی بر عهده دارد. در واقع کنوانسیون چهارم ژنو محور اصلی حقوق اشغال را نه‌تنها منافع سیاسی رژیم اشغالگر قرار نداده است، بلکه وظایف بی‌شماری نیز برای اداره «جمعیت غیرنظامی در دست دشمن» و حمایت از سرزمین تحت اشغال به دولت اشغالگر تحمیل می‌کند.

دیوان عالی رژیم اشغالگر قدس در قضیه بسیونی علیه نخست‌وزیر آن رژیم که مربوط به مشروعیت قطع منابع برق و سوخت غزه بود، حکمی صادر کرد که در آن به مسئله اشغال غزه نیز اشاره شده بود.

اصلی‌ترین نکته در حکم دیوان عالی رژیم مزبور این بود: آیا غزه سرزمین تحت اشغال شمرده می‌شود که در این صورت محاصره آن طبق حقوق بین‌الملل، مجازات دسته‌جمعی تلقی شود یا

خیر؟ دیوان عالی در حکمی که در ژانویه ۲۰۰۸ صادر کرد، بر خاتمه اشغال تأکید کرد.^۱

اگرچه دیوان عالی رژیم صهیونیستی اذعان دارد که به دلیل کنترل رژیم صهیونیستی بر گذرگاه‌های مرزی غزه و همچنین سال‌ها حضور نظامی رژیم مزبور در غزه و روابط حاصل از آن، رژیم اشغالگر قدس تکالیفی در قبال غزه و مردم آن بر عهده دارد، اما پایان حکومت نظامی و عدم حضور سربازان آن رژیم را در این منطقه نشان‌دهنده پایان کنترل مؤثر رژیم صهیونیستی بر نوار غزه و پایان وضعیت اشغال تلقی می‌کند، اما رویه قضایی بین‌المللی و رویه قضایی ملی این نتیجه‌گیری را نمی‌پذیرد (اخوان، ۱۳۸۸: ۴۶).

دیوان بین‌المللی یوگسلاوی در قضیه «Naletilic» بیان کرد، تشخیص قابلیت اعمال حقوق اشغال به یک سرزمین معین این است که آیا ارتش اشغالگر توان اعزام سرباز را در یک مدت زمان معقول به این سرزمین دارد یا خیر؟

همچنین، دیوان عالی رژیم اسرائیل، در قضیه «Tsemel» می‌گوید، کافی است که قابلیت اعمال کنترل مؤثر رژیم اشغالگر قدس در یک منطقه خارجی که سربازان اشغالگر در آن مستقرند، وجود داشته باشد.

باین حال، اتفاق نظر جامعه بین‌الملل بر آن است که تداوم کنترل مرزهای زمینی، هوایی و دریایی غزه به‌نحوی است که رژیم صهیونیستی را به لحاظ حقوقی همچنان در وضعیت قدرت اشغالگر قرار می‌دهد. رژیم صهیونیستی همچنان بر عناصر مهمی از زندگی مردم در غزه کنترل مؤثری دارد؛ ثبت احوال در غزه و کرانه باختری (به‌جز نوزادانی که پدر و مادرشان هر دو ساکن سرزمین‌های اشغالی باشند، ثبت احوال و اسناد باید با اجازه رژیم اشغالگر باشد)، خروج و ورود اتباع خارجی، جابه‌جایی ساکنان نوار غزه و کرانه باختری بین این دو سرزمین، صادرات و واردات و نظام مالیاتی. در کنار این موارد باید حضور سربازان رژیم اشغالگر در کرانه باختری رود اردن را

۱- از سپتامبر ۲۰۰۵، رژیم اشغالگر دیگر هیچ کنترل مؤثری بر وقایع نوار غزه ندارد. حکومت نظامی که در آن منطقه اعمال می‌شد با تصمیم حکومت لغو شد و سربازان این رژیم دیگر به‌طور دائم در این منطقه حضور ندارند و امور آن را اداره نمی‌کنند. در چنین شرایطی، رژیم اشغالگر برای مراقبت از رفاه ساکنان و استقرار نظم عمومی در نوار غزه بر اساس کلیت حقوق اشغال نظامی در حقوق بین‌الملل وظیفه‌ای کلی ندارد. به‌علاوه، آن رژیم در وضعیت حاضر توان مؤثری برای اعمال نظم و مدیریت زندگی غیرنظامیان در نوار غزه ندارد. در شرایطی که پیش آمده، تکالیف اصلی دولت صهیونیستی در مورد ساکنان غزه، برخاسته از وضعیت درگیری مسلحانه‌ای است که بین آن و سازمان حماس که نوار غزه را کنترل می‌کند، وجود دارد. این تکالیف همچنین برخاسته از دامنه کنترل دولت صهیونیستی بر گذرگاه‌های مرزی بین خود و نوار غزه و روابطی است که بین رژیم اشغالگر و سرزمین نوار غزه بعد از سال‌های حکومت نظامی در آن منطقه ایجاد شده و در نتیجه، اکنون تقریباً به‌طور کامل نوار غزه در مورد تأمین برق، مستقل از رژیم صهیونیستی است.

نیز به خاطر داشت.

تا سال ۲۰۰۴ که شورای امنیت قطعنامه‌اش را در مورد غزه و کرانه غربی صادر کرد، ارکان ملل متحد از جمله شورای امنیت و مجمع عمومی در خطاب به رژیم اشغالگر از عبارت قدرت اشغالگر استفاده و تأکید کردند که این قدرت اشغالگر باید کنوانسیون چهارم ژنو را رعایت کند (اخوان، ۱۳۸۸: ۴۷).

با توجه به عناصر تشخیص کنترل مؤثر رژیم اشغالگر بر نوار غزه و نیز کنترل قاطعی که این رژیم بر مرزهای زمینی، هوایی و دریایی اعمال می‌کند، قطعنامه شورای حقوق بشر وضعیت نوار غزه، سرزمین تحت اشغال عنوان شده که کنوانسیون چهارم ژنو در مورد آن لازم‌الاجراست و از رژیم صهیونیستی نیز به عنوان قدرت اشغالگر یاد شده است. افزون‌براین، مقدمه قطعنامه ۱۸۶۰ شورای امنیت نوار غزه را بخش جدایی‌ناپذیری از سرزمین‌های اشغالی از سال ۱۹۴۷ به شمار می‌آورد و بخشی از دولت فلسطینی خواهد بود.

براین اساس باید گفت، تداوم «کنترل مؤثر» رژیم صهیونیستی بر نوار غزه باعث می‌شود که این منطقه همچنان سرزمین تحت اشغال و این رژیم قدرت اشغالگر تلقی شود (اخوان، ۱۳۸۸: ۴۸).

۳-۱-۳- مشروعیت ساخت دیوار از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر

در بررسی آثار ساخت دیوار حائل، رژیم اسرائیل بر این مدعا بود که حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر در خصوص ساخت دیوار حائل در اراضی اشغالی، قابل اعمال نیست، اما دیوان پس از اعلام قابل اعمال بودن حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر در اراضی اشغالی ۱۹۴۷ به بررسی مشروعیت ساخت دیوار حائل با تکیه بر این قواعد پرداخت. همچنان دیوان اشاره کرد، برخلاف ادعای اسرائیل، دیوار ایجادشده، وضعیتی برگشت‌ناپذیر است که از نظر حقوقی منجر به ضمیمه شدن سرزمین به اسرائیل خواهد شد (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۷۰).

۳-۱-۴- حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال در قضیه ساخت دیوار حائل

دیوان در قضیه دیوار حائل به‌رغم عرفی شناخته شدن مقررات لاهه از سوی همه شرکت‌کنندگان در جلسات رسیدگی درباره این موضوع که آیا مقررات لاهه جزء حقوق عرفی شده است یا خیر، شروع به رسیدگی کرد.

دیوان ضمن یادآوری این نکته که رژیم اسرائیل عضو کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ نیست، باوجوداین، چون به نظر دیوان، مقررات لاهه قسمتی از حقوق عرفی را تشکیل می‌دهد و در واقع توسط تمام طرف‌های شرکت‌کننده در این دیوان به رسمیت شناخته شده است، رژیم اسرائیل ملزم به رعایت آن بوده و همچنین پس از تصویب ماده ۱۵۴ کنوانسیون چهارم ژنو، کنوانسیون لاهه

به عنوان مکمل بخش های دوم و سوم مقررات ژنو درآمده است.

به هر حال، براساس ماده ۱۵۴ کنوانسیون ژنو دیوان به این نتیجه رسید که بخش سوم این مقررات که مربوط به اعمال صلاحیت نظامی بر سرزمین دشمن است، به نحو مقتضی با این قضیه در ارتباط است (ICJ Reports, 2004, para. 89).

بر اساس حقوق لاهه اموال خصوصی قابل مصادره نیستند. دولت رژیم اسرائیل به منظور ساخت دیوار مبادرت به مصادره بسیاری از زمین ها و تخریب منازل، مغازه ها، مدارس، شبکه های آبرسانی و زمین های کشاورزی کرده است (ماده ۴۶ کنوانسیون چهارم لاهه).

ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو بیان می دارد که انهدام اموال منقول یا غیرمنقولی که به طور انفرادی یا اشتراکی متعلق به اشخاص یا دولت یا شرکت های عمومی یا سازمان اجتماعی یا تعاونی باشد، توسط دولت اشغال کننده ممنوع است مگر در مواردی که انهدام آن ها به واسطه عملیات جنگی ضرورت حتمی یابد.

گفتنی است که از دیدگاه بسیاری از کارشناسان مسائل حقوق بین الملل این استثنا که کاملاً بر اساس عملیات نظامی ضروری است، در این قضیه قابل اعمال نیست (B'TSELEM: 2003).

برای مثال، تصمیم گیری نسبت به اسکان بسیاری از یهودیان در بخش اسرائیلی دیوار به عنوان یک ضرورت نظامی قابل توجیه نیست. یکی از اهداف ساخت دیوار، اسکان تقریباً تمام یهودیان در کرانه باختری در بخش اسرائیلی دیوار و عملاً انضمام بیشتر زمین های حاصلخیز به رژیم اسرائیل بود که منجر به انضمام گسترده سرزمین های فلسطینی شد. در مرحله اول ساخت دیوار در کرانه باختری، ۴۵۵/۱۲۱ هزار مترمربع از زمین ها (۲ درصد از کل کرانه باختری) عملاً به رژیم اسرائیل ضمیمه می شود. رژیم اسرائیل این بخش را منطقه امنیتی خوانده در حدود ۶۸۰/۱۴ هزار مترمربع از زمین ها به منظور زیرسازی دیوار با خاک یکسان شده اند. اسکان یهودیان فی نفسه نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین المللی به شمار می آید (Pengon/Anti - Apartheid wall campaign: Fact sheet. 2003).

همان گونه که گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر بیان کرده است:

مسیر دیوار مرتباً با توجه به خواسته های شهرک نشینان و سایر گروه های ذی نفع سیاسی در رژیم اسرائیل تغییر می یابد. هیچ برداشت شفافی نسبت به ساخت دیوار وجود ندارد و به نظر می رسد مسیر نهایی آن صرفاً به تغییرات نظامی و سیاسی داخل رژیم اسرائیل بستگی داشته باشد... شهرک سازی در شرق بیت المقدس و کرانه باختری اصلی ترین منفعت ساخت دیوار است و تخمین زده می شود که حدود نیمی از چهارصد هزار مهاجر یهودی در قسمت اسرائیلی این دیوار اسکان داده شوند. نیازی به گفتن نیست که این اقدامات باید به نحوی انجام پذیرد که اسکان غیرقانونی را نیز شامل شود؛

مسئله‌ای که موضوع مذاکرات رژیم اسرائیل و فلسطین بوده است... به دیوار باید از زاویه اقدامات رژیم اسرائیل در خصوص شهرک‌نشینی یهودیان و انضمام غیرقانونی شرق بیت‌المقدس نگریست. دیوار تأثیرات نامطلوبی بر جمعیت فلسطینی دارد (Dugard, John. E/cn. 4/2004/6. 8. 2003). (Dugard. "Question of the violation...". Op.Cit; B'TSELEM; Op. Cit., p. 9;

این دیوار مرز جدیدی را بین فلسطین و رژیم اسرائیل ایجاد می‌کند و نه تنها ادعاهای مردم فلسطین نسبت به سرزمین خویش را نادیده می‌گیرد، بلکه مغایر قطعنامه‌های ملل متحد در خصوص مسئله مرز است. بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد مشخص کرده است که «تمام اعضای ملل متحد باید در روابط بین‌المللی خویش از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت یا هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد در تعارض است، خودداری کنند». همچنین، قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی ملل متحد مورخ اکتبر ۱۹۷۰ نیز اعلام داشته است که «سرزمین یک دولت نباید از سوی دولت دیگر موضوع اکتساب ناشی از تهدید یا توسل به زور شود. هیچ اکتساب سرزمینی ناشی از تهدید یا توسل به زور نباید قانونی تلقی شود. همچنین، باید نظر گزارشگر ویژه را نیز لحاظ کرد. به عقیده ایشان انضمام بدین گونه در حقوق بین‌الملل غیرقانونی است». این دیوار محصول مشترک اسکان یهودیان و سیاست بسته‌ای است که مانع دائمی را به موانع قبلی که از طریق ایستگاه‌های بازرسی وجود داشته است، می‌افزاید. به علاوه، این اقدام به یک مفهوم، مصادره دائمی اموال خصوصی به شمار می‌آید.

همچنین مسیر احداث دیوار حائل در فلسطین اشغالی آن‌چنان که توسط حکومت اسرائیل تعیین شده است در داخل منطقه‌ای بسته حدود ۸۰ درصد از کسانی را که در سرزمین اشغالی فلسطین زندگی می‌کنند، دربرمی‌گیرد و اکثریت عظیمی از شهرک‌های رژیم اسرائیل را که در سرزمین اشغالی فلسطین و اطراف بیت‌المقدس ایجاد شده است، در خود جای می‌دهد که این موضوع با بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ مبنی بر ممنوعیت دولت اشغالگر از انتقال جمعیت غیرنظامی خویش به داخل سرزمینی که اشغال کرده، در تعارض است (زارع‌فر و هاشمی، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۷).

۵-۱-۳- قابلیت اعمال حقوق بشر در قضیه ساخت دیوار حائل

در سوم اکتبر ۱۹۹۱، رژیم اسرائیل میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و همچنین در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد.

در ضمیمه شماره ۱ گزارش دبیر کل آمده است:

«رژیم اسرائیل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی را که به امضا رسانده است در سرزمین‌های فلسطین اشغالی قابل اعمال نمی‌داند و با ایجاد تفکیک میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه معتقد است در دوران درگیری مسلحانه در سرزمین‌های اشغالی تنها حقوق بشردوستانه اعمال می‌شود و اعمال حقوق بشر صرفاً به دوران صلح بازمی‌گردد».

دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص رابطه بین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قواعد حقوق بشری (مناسبات متقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه) به یافته‌های خود در نظریه مشورتی سال ۱۹۹۶ اشاره می‌کند که طبق آن حمایت‌های قانونی یادشده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمان جنگ متوقف نمی‌شود و به‌طورکلی دیوان اعلام می‌دارد که حمایت‌های ارائه‌شده در کنوانسیون‌های حقوق بشری هنگام بروز مناقشات مسلحانه متوقف نمی‌شوند (ICJ Reports, 2004, para. 109).

در پاسخ به این پرسش که دو معاهده بین‌المللی کنوانسیون حقوق کودک تنها در سرزمین کشورهای عضو قابل اعمال هستند یا اینکه در خارج از سرزمین آن کشورها نیز باید اجرا شوند، دیوان پس از بررسی مفاد این دو کنوانسیون بین‌المللی و با در نظر گرفتن کارهای مقدماتی که در تفسیر از آن استفاده می‌شود و همچنین موضع رژیم اسرائیل در مکاتبات خود با کمیته حقوق بشر و کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل به این نتیجه می‌رسد که اسناد یادشده، اقدامات کشورها در اعمال صلاحیت در بیرون از سرزمینشان را نیز دربرمی‌گیرد (Ibid, para. 106).

سپس، در خصوص استدلال عدم اعمال حقوق بشر هنگام وجود درگیری مسلحانه و اعمال حقوق بشردوستانه دیوان به نظریه مشورتی مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ در خصوص مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اشاره کرد.

دیوان بر اساس رابطه متقابل حقوق بشردوستانه و حقوق بشر اعلام کرد که حمایت از حقوق بشر از طریق کنوانسیون‌های حقوق بشری در زمان جنگ متوقف نخواهد شد، مگر در اثر تعلیق برخی از موارد حقوق بشر که در ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است. ارتباط میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به سه صورت مطرح می‌شود؛ بعضی حقوق منحصرأ به موضوع حقوق بشردوستانه بعضی دیگر منحصرأ به موضوع حقوق بشر و سایر موضوعات به هر دو شاخه مرتبط است و دیوان برای رسیدگی به پرسش درخواستی باید هر دو شاخه حقوق بین‌الملل یعنی حقوق بشر و قوانین ویژه‌ای مانند حقوق بشردوستانه بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۵۶).

۶-۱-۳- آثار ساخت دیوار

از اطلاعات ارائه‌شده به دیوان به نظر می‌رسد که احداث دیوار منجر به تخریب یا تملک املاکی شده است که با مواد ۴۶ و ۵۲ مقررات ۱۹۰۷ لاهه و ماده ۵۳ کنوانسیون ژنو مغایرت دارد. احداث دیوار، ایجاد یک منطقه بسته میان خط سبز و دیوار و ایجاد محل‌های تحت محاصره، محدودیت‌هایی را در حرکت آزادانه ساکنان سرزمین اشغالی فلسطین تحمیل کرده است (به‌استثنای شهروندان رژیم اسرائیل و کسانی که به آن ملحق شده‌اند). همچنین، رکود جدی در تولیدات کشاورزی به وجود آمده و مشکلات فزاینده‌ای را برای مردم آن سرزمین به‌منظور دسترسی به خدمات بهداشتی، مراکز آموزشی و منابع آب بهداشتی به وجود آورده است.

به نظر دیوان، احداث دیوار تعداد قابل توجهی از فلسطینیان را از آزادی انتخاب محل زندگی محروم خواهد کرد. به‌علاوه، تعداد قابل توجهی از فلسطینیان قبلاً به خاطر احداث دیوار و تأسیسات وابسته به آن مجبور به کوچ اجباری از بعضی نواحی شده‌اند و این روند با احداث دیوار افزایش یافته است و احداث شهرک‌های یهودی‌نشین تغییر ترکیب جمعیتی بخش‌های جدیدی از سرزمین‌های فلسطین اشغالی را در پی خواهد داشت (Ibid, para. 132).

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز شامل مقرراتی است که به این قضیه ارتباط می‌یابد. ماده ۴ میثاق اجازه تعلیق نسبت به مقررات آن را تحت شرایطی صادر کرده است. رژیم اسرائیل از حق خود در تعلیق مندرج در این ماده با مخاطب قرار دادن دبیرکل سازمان ملل متحد به‌وسیله نامه‌ای در ۳ اکتبر ۱۹۹۱ استفاده کرد، اما از دیدگاه دیوان تعلیق یادشده منحصرأً مربوط به ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص آزادی و امنیت فردی و تنظیم مقررات قابل اجرا در مورد بازداشت و توقیف بوده و سایر مواد میثاق قابل اجراست (Ibid, para. 127).

ساخت دیوار از دیدگاه دیوان بین‌المللی دادگستری نقض مواد ۱۷ (عدم تعرض به زندگی خصوصی) و ۱۲ (حق عبور و مرور آزادانه) و انتخاب مسکن و بسیاری دیگر از حقوق مدنی و سیاسی مندرج در میثاق یادشده است.

میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز دارای مقرراتی مرتبط با این قضیه است. برای مثال، حق کار (مواد ۶ و ۷)، حمایت و مساعدت نسبت به خانواده، کودکان و جوانان (ماده ۱۰)، حق برخورداری از استانداردهای کافی حیات شامل غذا، لباس، مسکن مناسب و حق رفع گرسنگی (ماده ۱۱)، حق سلامتی (ماده ۱۲) و حق آموزش (مواد ۱۳ و ۱۴). کنوانسیون حقوق کودک هم در مواد ۱۶، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ خود مقرراتی مشابه پیش‌بینی کرده است. همچنین احداث دیوار و نظام وابسته به آن به سبب تغییر جمعیتی که ایجاد می‌کند با ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو و قطعنامه مربوط شورای امنیت در تناقض است. دیوان سپس به بعضی مفاد حقوق بین‌الملل

بشردوستانه که ممکن است در بعضی شرایط ضروری نظامی در سرزمین‌های اشغالی حتی پس از اتمام عملیات نظامی مورد استناد قرار گیرد، می‌پردازد. به نظر دیوان تنها ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو در این خصوص قابل استناد است و نتیجه‌گیری می‌کند که با توجه به مستندات موجود در پرونده، برای دیوان قانع‌کننده نیست که تخریب‌های انجام‌شده برخلاف نهی صریح آن ماده امری مطلقاً ضروری بر عملیات نظامی شمرده می‌شود. بنابراین، چنین تخریب‌هایی چون متضمن چنین ضرورت‌هایی نبود پس استثنا شمرده نمی‌شود و ماده ۵۲ مقررات ۱۹۰۷ لاهه که اجازه می‌دهد تحت شرایط خاصی اموال و خدمات برای ضروریات نظامی اشغالگران از سوی آن‌ها مصادره شود، موضوعیت ندارد. بنابراین، دیوان اظهار داشت با توجه به اطلاعات ارائه‌شده به دیوان، ساخت دیوار منجر به تخریب و مصادره اموال تحت شرایطی خواهد شد که با الزامات ناشی از مواد ۴۶ و ۵۲ مقررات ۱۹۰۷ لاهه و ماده ۵۳ کنوانسیون ژنو در تعارض است (Ibid, para. 133).

به عقیده دیوان، ساخت و ایجاد منطقه بسته میان خط سبز و دیوار و همچنین ایجاد ناحیه محاصره‌شده محدودیت‌های اساسی را بر آزادی تردد ساکنان سرزمین اشغالی فلسطین تحمیل می‌کند. این محدودیت بیشتر مربوط به مناطق شهری مانند ناحیه تحت محاصره قلقیلیا یا بیت‌المقدس و اطراف آن می‌شود (Ibid, para. 133).

دیوان اعلام داشت:

«تعداد زیادی از فلسطینیان به دلیل ساخت دیوار و رژیم وابسته به آن، مجبور به مهاجرت از مناطق خاصی شده‌اند؛ جریانی که با ساخت دیوار بیشتر ادامه می‌یابد. ترکیب جمعیتی ساخت دیوار همراه با ایجاد شهرک‌های رژیم اسرائیل مبین تمایل رژیم اسرائیل به سرزمین اشغالی فلسطین است» (Ibid, para. 106).

به‌علاوه به عقیده دیوان ساخت دیوار و رژیم وابسته به آن با آزادی تردد ساکنان سرزمین اشغالی فلسطین که بر اساس بند ۱ ماده ۱۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده، در تعارض است. همچنین، مانع اعمال حق هر شخص در خصوص کار، برخورداری از سلامتی، آموزش استانداردهای مناسب زندگی آن‌گونه که در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک بیان شده است، می‌شود و از آنجاکه ساخت دیوار و رژیم وابسته به آن باعث تغییرات جمعیتی است، مغایر بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون ژنو و قطعنامه‌های شورای امنیت خواهد بود.

درنهایت دیوان به این نتیجه می‌رسد که بر اساس مدارک موجود، اقداماتی که رژیم اسرائیل برای نیل به اهداف امنیتی خود انتخاب کرده، ضرورتی نداشته است و برای دیوان قانع‌کننده نیست.

بنابراین، تاکنون ساخت دیوار تأثیرات شدیدی بر شرایط زندگی مردم داشته و براین اساس حقوق آن‌ها در مناطقی که دیوار ساخته شده، تحت تأثیر قرار گرفته است. گزارش برتینی^۱ به‌عنوان مشهورترین گزارش ملل متحد در خصوص وضعیت بشردوستانه در فلسطین نشان‌دهنده این مطلب است که بدون شک محاصره، ساخت دیوار، حکومت نظامی و ایستگاه‌های بازرسی راهبردهایی هستند که بر سلامت، آموزش، کار و همچنین، حق آزادی رفت‌وآمد و اموال تأثیرگذار بوده‌اند (Bertini, 2002).

در این گزارش چنین آمده است:

«فلسطینیان به انحای مختلف در محاصره حصار حکومت نظامی، بسته شدن جاده‌ها و محدودیت‌هایی هستند که تقریباً منجر به اضمحلال اقتصاد فلسطینی‌ها، بالا رفتن نرخ بیکاری، افزایش فقر، کاهش فعالیت‌های بازرگانی و دسترسی محدود به خدمات اساسی (مانند آب، مراقبت‌های پزشکی، آموزش، خدمات اضطراری و افزایش وابستگی به کمک‌های انسان‌دوستانه) شده است. این محدودیت‌ها تقریباً بر تمام فعالیت‌ها تأثیرگذار بوده و موجب شده که بیشتر فلسطینیان نتوانند از یک زندگی عادی برخوردار باشند و زندگی آن‌ها در شرایط سختی همراه با محرومیت و اهانت به حیثیت بشری انجام می‌گیرد... اتفاق‌نظری میان تمام طرف‌ها وجود دارد که رژیم کنونی محاصره و حکومت نظامی اثرات مخربی بر وضعیت اقتصادی و بشردوستانه مردم فلسطین داشته است. مسئله‌ای که مورد تأیید این گزارش نیز است» (Bertini.Op. Cit. Comment 3, 12).

همان‌گونه که در گزارش نیز نشان داده شده، در مکان‌هایی که دیوار ساخته شده است حقوق مربوط به آزادی رفت‌وآمد، اموال، سلامتی، آموزش، کار، غذا، آب و آزادی مذهب تا زمانی که دیوار وجود داشته باشد قابل تضمین نخواهد بود.

الف - حق آزادی رفت‌وآمد

براساس ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸):

«هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبورومرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند».

به‌علاوه، طبق ماده ۱۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) بند اول:

«هرکس قانوناً در سرزمین کشوری باشد، حق عبورومرور آزادانه و انتخاب مسکن خود را در آنجا خواهد داشت».

کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) ماده ۴۹ تصریح دارد:

«انتقال اجباری جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال‌شده به

خاک دولت اشغال کننده یا به خاک هر دولت دیگری اعم از اینکه اشغال شده یا نشده باشد به هر علتی ممنوع است».

محدودیت‌های اعمال شده نسبت به حق رفت و آمد به وضوح بر فعالیت‌های تمام فلسطینیان تأثیرگذار بوده است. در خصوص حقوق بشردوستانه بین‌المللی آثار ساخت دیوار بر شهر قلقیلیه نمونه‌ای است که می‌توان آن را انتقال گسترده و اجباری^۱ نامید و مردم فلسطین هیچ امکانی را برای تداوم حیات خویش ندارند. شهر قلقیلیه با چهل هزار نفر جمعیت به‌طور کامل به وسیله دیوار به محاصره درآمده است و ساکنان آن صرفاً می‌توانند از یک ایستگاه بازرسی نظامی از ساعت ۷ صبح تا ۷ شب، وارد یا خارج شوند (ICJ Reports, 2004. Para. 121).

ب- حق افراد نسبت به اموال خویش

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در ماده ۱۷، صراحتاً چنین بیان می‌دارد:

«هر شخص منفرداً یا مجتمعاً حق مالکیت دارد و نمی‌توان احدی را خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد». همچنین ماده ۱ هر دو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) نیز تصریح کرده‌اند که: «تمام افراد می‌توانند برای نیل به هدف‌های خود در منابع و ثروت‌های طبیعی خود... آزادانه هرگونه تصرفی بکنند».

تنها در جریان مرحله اول ساخت دیوار، ۳۲۰ درخت زیتون، ۱۰۲ مدرسه، ۸۵ ساختمان تجاری و ۳۰ کیلومتر از شبکه آبرسانی تخریب شده و ۱۴،۶۸۰ هزار مترمربع از اراضی با خاک یکسان یا مصادره شده‌اند (Ibid, para. 118).

پ- حق بر سلامتی

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) در ماده ۱۲ تصریح می‌کند:

کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به تمتع از بهترین سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسند.

بنابراین، حق هرکس به تمتع از بهترین سلامت جسمی و روحی در حقوق مورد تأیید قرار گرفته است. به موجب حقوق بشردوستانه دولت اشغالگر در حدود تمام امکانات خود موظف است با معاضدت مقامات محلی تأسیسات و خدمات طبی و بیمارستانی و سلامت و بهداشت عمومی را در اراضی اشغالی از جمله با اتخاذ و اجرای تدابیر دفاعی و پیشگیری لازم برای مبارزه با توسعه بیماری‌های واگیر و امراض مسری تأمین و نگهداری کند. کارکنان بهداشتی از هر طبقه مجاز خواهند بود که وظایف خود را اجرا کنند (ماده ۵۶ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹).

برخلاف این تعهدات دولت اشغالگر، رژیم اسرائیل هیچ توجهی به آن‌ها نداشته و در عوض حق بهداشت را به‌طور جدی نقض کرده است. در گزارش برتینی آمده است:

در خصوص دسترسی به خدمات پزشکی، محدودیت‌های اعمال‌شده که تداوم یافته‌اند مانع دسترسی بسیاری از فلسطینیان نیازمند خدمات پزشکی و بهداشتی شده است. این مسئله، به‌ویژه در مورد مردم سرزمین‌هایی که در آن حکومت نظامی وجود داشته و بیشتر از ۶۰ درصد از مردم کرانه باختری که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، وجود دارد. آن‌ها نیازمند دسترسی به بیمارستان‌ها و سایر امکانات ثانویه سلامتی اورژانسی و عادی در شهرها و شهرستان‌ها هستند. بنا بر گزارش‌ها تعداد مراجعان بسیاری از بیمارستان‌ها کاهش چشمگیری داشته است (Bertini, Op. Cit., Comment, 34).

در ماده ۵ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ آمده است:

دولت اشغالگر باید با همکاری مقامات ملی و محلی اداره مؤسسات مخصوص پرستاری و آموزش کودکان را تسهیل کند.

این در حالی است که تنها در طولکرم ۶۵۰ تن از معلمان (از ۱۹۶۴معلم) برای دسترسی به کلاس‌های درس خویش با مشکل مواجه شده‌اند (دورکورالوگو، ۱۳۸۲: ۹۱).

ت- حق کار

به‌موجب اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۲۳:

«هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب کند، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

و ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان می‌دارد:

کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را - که شامل حق هرکس است به اینکه فرصت یابد به‌وسیله کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌کند معاش خود را تأمین کند - به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی را برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.

حق بر کار شامل «حق هر شخص در جهت فرصت برای دسترسی به امرار معاش از طریق کار می‌شود». با ساخت دیوار سرزمین‌هایی که از مستعدترین زمین‌های کشاورزی هستند در بخش رژیم اسرائیل قرار خواهد گرفت. فرمان نظامی ۲ اکتبر ۲۰۰۳ که سرزمین‌های واقع بین دیوار و را به‌عنوان منطقه نظامی بسته مشخص کرد عدم امکان دسترسی خط سبز کشاورزان بیش از ۵۰ روستا به مزارع خویش که به دلیل وجود دیوار دور افتاده‌اند را تکمیل می‌کند. این موضوع منجر به زیان‌های اقتصادی شدیدی در بسیاری از نواحی شده است. همچنین گزارش شده که حدود ۶۰۰ مغازه و شرکت به دلیل ساخت دیوار در قلمبلیه تعطیل شده‌اند (دورکورالوگو، ۱۳۸۲: ۹۲).

ث- حق بر غذا و آب

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده ۱۱ حق هر کس به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش را شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و همچنین، بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسد. کشورهای طرف این میثاق به‌منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند کرد و از این لحاظ اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی بر اساس رضایت آزاد را قبول دارند.

با توجه به وضع کشاورزان محدودیت اصلی مانند بسیاری دیگر از موارد مربوط به اشتغال و تولید، امکان دسترسی است. کشاورزان قادر نیستند به دلیل بسته بودن جاده‌ها و همچنین جاده‌های ویران که به‌وسیله نیروهای مسلح رژیم اسرائیل موسوم به «نیروی دفاعی رژیم اسرائیل» تخریب شده‌اند، تهدیدات و خشونت ناشی از شهرک‌نشینان مجاور و مجوزهای جدیدی که در برخی موارد تنها برای دسترسی به مزارع طرف دیگر جاده است به مزارع خویش دسترسی یابند. پس از ساخت دیوار این دسته از محدودیت‌ها دائمی خواهند بود؛ به‌ویژه اینکه پیشنهاد رژیم اسرائیل تصریح دارد که هر کشاورز نیازمند یک مجوز خاص برای عبور به‌منظور دسترسی به زمین خویش است. برای مثال بیست هزار نفر در حدود ۳۱۷۵ خانواده، در بخش شرقی دیوار قرار خواهند گرفت، حال اینکه زمین‌های کشاورزی آن‌ها در بخش غربی واقع شده‌اند و بدین ترتیب وسیله امرار معاش، خوراک و میراث خویش را از دست خواهند داد (Bertini, Op. Cit.. Comment 50).

۴- وضعیت حقوق بشردوستانه و حقوق بشر بین‌المللی در غزه پیش از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳

با توجه به اعلام دیوان مبنی بر اینکه ساخت دیوار و رژیم وابسته به آن در تعارض با حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل است، می‌توان نتیجه گرفت رژیم اسرائیل به‌موجب کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو متعهد است تعهد خود در احترام به حقوق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خویش و دیگر تعهداتی که به‌موجب حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر مقرر شده‌اند را رعایت کند.

اما رژیم اشغالگر با نادیده گرفتن رأی دیوان در توقف ساخت دیوار و پرداخت غرامت به ساکنان اراضی اشغالی و جبران خسارت وارده، در طی سال‌ها پس از صدور رأی دیوان، با ساخت دیوارهای دیگر، از جمله دیوار در نوار غزه، اقدام غیرقانونی خود را تداوم بخشید. چنانکه بیان شد، وضعیت نوار غزه به‌مثابه وضعیت سرزمین اشغالی بوده و دولت اشغالگر رژیم اسرائیل دارای تعهداتی بین‌المللی براساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر

نسبت به نوار غزه است. بدین ترتیب، با توجه به رأی دیوان در غیرمشروع اعلام کردن ساخت دیوار به دلیل نقض حقوق بین‌الملل بشر، می‌توان ساخت دیوار حائل در نوار غزه را هم به دلیل همان آثار منفی انسانی، ناقض حقوق بین‌الملل بشر دانست.

از سوی دیگر، از آنجا که ساخت دیوار حائل به ظاهر برای حفاظت از جان و مال یهودیان شهرک‌نشین در سرزمین‌های اشغالی است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دولت اشغالگر، برای استمرار یک عمل غیرقانونی یعنی اسکان یهودیان در فلسطین اشغالی، اقدام به یک عمل غیرقانونی دیگر یعنی ساخت دیوار کرده است که برای ساخت دیوار حائل، توجیه‌ناپذیر است. زیرا، هدف از آن استمرار و تثبیت یک عمل غیرقانونی سابق است که وضعیت اشغالی نوار غزه را تثبیت کرده است. به عبارتی، پیش از شروع عملیات نظامی و حمله به ساکنان غزه در اکتبر ۲۰۲۳ توسط رژیم اسرائیل، ساخت دیوار حائل در نوار غزه، ساکنان غزه را با نقض حقوق انسانی، اقتصادی و اجتماعی شدیدی مواجه کرده بود.

نتیجه‌گیری

رژیم اسرائیل ساخت دیوار را در مسیری انتخاب کرده که حقوق ساکنان در سرزمین‌های اشغالی و به طور مشخص، ساکنان غزه را به شدت پایمال کرده است. زیر پا نهادن حقوق فلسطینیان ناشی از ساخت دیوار با هیچ ضرورت و الزام نظامی یا امنیت ملی یا نظم عمومی قابل توجیه نیست.

با توجه به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰/۱۰/۲۰۲۳ مربوط به حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین و تأکید بر حق ملت فلسطین بر تشکیل کشور مستقل فلسطینی، حمایت کشورها و مؤسسات سازمان ملل از ملت فلسطین و کمک به آنها در دستیابی به حق خود باید تداوم داشته باشد. همچنین، با توجه به سابقه دیوان بین‌المللی دادگستری در مواجهه با پرونده‌های مربوط به اراضی اشغالی فلسطین، به‌خوبی می‌توان حاکمیت قانون در این دادگاه را مشاهده کرد. هم نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۰۰۴ ساخت دیوار حائل در اراضی اشغالی فلسطین و همچنین دستور موقت دیوان در ۲۰۲۴ که بنا به طرح دعوی دولت آفریقای جنوبی در مورد نقض کنوانسیون منع نسل‌کشی از سوی رژیم صهیونیستی در حمله به غزه، از سوی دیوان صادر شد (Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), ۲۶ January. ۲۰۲۴)، نظر دیوان را می‌توان دستاوردی برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی و مسئول شناختن رژیم اشغالگر دانست. بنابراین، استفاده از ظرفیت حقوقی دیوان در تعقیب حقوق نقض شده ساکنان نوار غزه حائز اهمیت است. در نتیجه، پیشنهادات پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- دستور موقت دیوان در ۲۰۲۴، پشتوانه خوبی برای محاکم دیگر مثل دیوان بین‌المللی کیفری و محاکم داخلی خواهد بود. حتی در برخی از موارد، امکان طرح شکایت در دیوان اروپایی حقوق بشر علیه برخی از کشورهای اروپایی که همدست اسرائیل در نقض حقوق بشر به‌ویژه نسل‌زدایی هستند نیز وجود دارد. از این رو، کشورهای دیگر، همچون ایران می‌توانند در جهت دفاع از طرف فلسطینی وارد دعوی طرح شده توسط آفریقای جنوبی در دیوان شوند.

- با توجه به کنوانسیون‌های ۴گانه ژنو، تکلیف دولت‌ها برای انجام هر اقدامی جهت تضمین رعایت حقوق بشردوستانه مندرج در ماده ۳ مکرر ایجاب می‌کند که جامعه بین‌المللی به‌صورت جمعی و انفرادی به اتکای دستور موقت دیوان، فشارهای دیپلماتیک و مالی را علیه اسرائیل اعمال و این رژیم را وادار به اجرای این دستور موقت کنند. در این میان به نظر می‌رسد، مردم یمن بهترین تضمین‌کننده کنوانسیون‌های ژنو هستند و آمریکا و برخی کشورهای اروپایی که به نقض کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه کمک می‌کنند، بزرگ‌ترین ناقضان این اسناد به‌حساب می‌آیند. - فشار افکار عمومی تحت تأثیر دستور دیوان، بر دولت‌های خود می‌تواند منجر به قطع رابطه با اسرائیل شود و از این طریق با فشار بر اسرائیل، به اشغالگری ۷۵ ساله آن خاتمه داد.

کتابنامه

- اخوان خرازیان؛ مهناز (۱۳۸۸). *اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمه اخیر نوار غزه*، مجله حقوقی بین‌المللی (نشریه مرکز امور بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری)، شماره ۴۰، سال ۲۶.
- اسماعیلی، مهدی (۱۳۸۳). *خلاصه‌ای از بحث ماهوی نظرمشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد دیوار حائل در اراضی فلسطین*، نشریه گواه، شماره‌های ۲ و ۳.
- امیری، صالح؛ سعیدی شاهسواری، مریم؛ غلامرضایی آزاد، هدیه؛ قربان‌زاده، محمد (۱۳۹۹). *تعقیب نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه مرتبط با شهرک‌سازی در اراضی اشغالی فلسطین در دیوان بین‌المللی کیفری*، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال ۱۰، شماره ۳۸.
- بعیدی‌نژاد، حمید (۱۳۸۳). *ابعاد مهم سیاسی و حقوقی رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره غیرقانونی بودن ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین توسط اسرائیل*، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال‌های ۵ و ۶.
- توحیدی، احمدرضا (۱۴۰۲). *ضرورت موضع‌گیری نهادهای بین‌المللی در موضوع فلسطین/رژیم*

صهیونیستی ناقض آزادی دیوان دادگستری، خبرگزاری جمهوری اسلامی، قابل دسترس در:
<https://www.irna.ir/news/85259165>

حبیب‌زاده، توکل (۱۳۸۴). ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بین‌الملل درآمدی بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، شماره ۲۸.

دوکورالوگو، ویکتور (۱۳۸۲). مشروعیت ساخت دیوار حائل از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، ترجمه سید حسین سادات میدانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴. زارع‌فر، امین؛ هاشمی، حمید (۱۳۸۳). ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵.

سادات میدانی، سیدحسین (۱۳۸۳). نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری محکومیت قضایی رژیم/اسرائیل. فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳، سال ۱۸.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴). بررسی نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد آثار حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی، نشریه گواه، شماره‌های ۴ و ۵. کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از جمعیت غیرنظامیان در زمان جنگ مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه (۱۳۸۳). فلسطین و سازمان ملل متحد، انتشارات مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.

ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخصصات مسلحانه داخلی، تهران: میزان.

هشیش، عبدالوهاب (۱۳۷۴). تعیین سرنوشت ملت فلسطین میان حق و زور، ترجمه عباس آگاهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و آزادی محاکم منطقه‌ای و بین‌المللی

A/RES/181 (II), 29. Nov. 1947.

A/RES/2252/(ES-V), 4 July. 1967.

A/RES/2444, 19Dec. 1968.

A/RES/2675, 1970.

A/RES/3318, 14 Dec. 1974.

A/RES/41/157, 2 Mar. 1981.

A/RES/46/135, 1992.

A/RES/46/136, 9 Mar, 1992.

A/RES/58/163, 22.Dec. 2003.

Bertini, Catherine, "Personal Humanitarian Envoy of the Secretary- General", Mission

Report, 2002.
S/RES/237, 14. Jun. 1967.
S/RES/1041, 29 Jan. 1996.
S/RES/1071, 1996.
S/RES/1083, 1996.
S/RES/1261, 25 Aug. 1999.
S/RES/1368, Sep, 2001.
S/RES/1373, 28. Sep, 2001.
Text Supreme Court Judgement Regarding the Security Fence (10F3) 30 June 2004.
www.un.org.
www.icrc.org.
ICJ Reports, 1951 (Genocide Convention Case).
ICJ Reports, 1970 (Barselona Traction Case).
ICJ Reports, 1986 (Nicaragua Case).
ICJ Reports, 1996 (Nuclear Weapons).
ICJ Reports, 1997 (Gabcikovo - Nagymaros).
Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, 9. July. 2004.
Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), 26. January. 2024.